

جامعه شناسی انتخاباتی ایران



جلال ایجادی

جامعه شناسی انتخاباتی عبارت از تحلیل از رفتار انتخاباتی شهروندان است. این جامعه شناسی هدف افراد در هنگام رای دادن را مورد مطالعه قرار داده و این پدیده رادر رابطه با عوامل سیاسی، فرهنگی، مذهبی، سنی، خانوادگی و اقتصادی به بررسی میکشاند. جامعه شناسی انتخاباتی رای زنان و مردان، میزان شرکت کنندگان و تحریم کنندگان، سیستم انتخاباتی با قدرت سیاسی در اشکال خودکامگی، دینی، پادشاهی، دموکراسی و بالاخره اطمینان و اعتماد مردم به هیات حاکمه را مورد نقد و بررسی قرار میدهد. ترس و نگرانی افراد، رفتار روانشناسانه و زیبایی شناسانه فرد، صراحت و فقدان صراحت رای دهنده، اهداف شخصی و خصوصیات اخلاقی فرد از یکسو و از سوی دیگر رابطه فرد رای دهنده با جمع و جامعه، احزاب سیاسی و برنامه سیاسی، ایدئولوژی و اعتقادات دینی نیز مورد تحلیل قرار میگیرد. انتخابات نقطه برجسته بروز تناقضات جامعه و راه برون رفت "انتخاب" شده است. نگاه این نوشته متوجه بررسی انتخابات ریاست جمهوری سال 1392 ایران است، این نگاه جامعه شناختی برای درک دقیقتر استراتژی قدرت سیاسی و بازیگران جامعه، مسائل مهم مربوط به انتخابات را مورد بررسی قرار میدهد.

دوران جدید و استراتژی قدرت

در انتخابات 88 شور خیابانی و آرمانگرایی بسیار بود. هر روز یک گردهمایی انتخاباتی با شرکت نامزدها در تهران و شهرستان ها برپا بود. و شب ها مردم در خیابان کارناوال و تظاهرات انتخاباتی داشتند که بیشتر خودجوش بود و غالب شرکت کننده های آن جوانان 15 تا 30 سال بودند. در این انتخابات به خصوص حضور زن ها خیلی پررنگ بود. مصاحبه های کاندیداها و تناقضات مناظره کاندیداها فضا ساز بود. ماشین دروغ و تبلیغات انتخاباتی با بازیگری محمود احمدی نژاد پر قدرت عمل میکرد و ذهنیت هارا فعال مینمود. این شرایط بدنبال، تقلب بزرگ، زمینه خیزش ها و اعتراضات را مهیا میکرد.

انتخابات 1392 دیگر آنطور نبود. دیکتاتور بزرگ با مشاورهای خود و دستگاه امنیتی مهندسی انتخابات را آماده کردند. در خیابان ها از مدتی پیش نیروهای پلیسی را مستقر کردند، البته آنها با باتوم و ماسک نبودند ولی از هیکلشان و رفتارشان پیدابود که از همان ابتدا بسیج اند. مردم دلشان میخواست که مناظره در بگیرد و افشاگری متقابل اوج بگیرد، ولی مهندسی ولایت مطلقه خامنه ای حداقل را در نظر گرفت تا کنترل از دست اش درنرود. در انتخابات قبلی مناظره خیلی تأثیرگذار بود و مردم این بار کنجکاو بودند ببینند که توطئه های پشت پرده کدامند و حاکمیت چطور با رسوائی برخورد می کند. دستگاه حاکمه هزینه سنگینی در سال 88 پرداخته بود و اینبار هیات حاکمه هم در پی گرم کردن تنور انتخابات بود و هم نگران بروز طغیان بود. با این وجود علاقه به مشارکت کم سو بود.

تمایل به مشارکت در انتخابات با اعلام کاندیداتوری آیت الله رفسنجانی خیلی بالا رفت. البته اغلب کسی از او خوشش نمی آمد ولی این مطلب که در انتخابات گذشته اوطرف خامنه ای را نگرفت و خواست به نحوی کدخدانشانه رضایت موسوی و کروبی را جلب کند و در نتیجه مغضوب واقع شد، باعث شد مردم او را تنها کسی بدانند که بتواند تعادلی در سیاست های جمهوری اسلامی به وجود آورد. او بمثابة سکندار با تجربه در شرایط فشارهای سیاسی و اقتصادی واقعی جلوه میکرد. خامنه ای نگران تضعیف قدرت خود بود و او را حذف نمود. حذف او دلهای اقشار میانی و شهری و دانشجویان و نیروهای اصلاح طلبان و ملی مذهبیها و سیاسیون غیر مذهبی طرفدار اصلاح طلبان را سرد کرد. با رد صلاحیت رفسنجانی موجی از ناامیدی

ایجاد شد، ولی از طرف دیگر بخشی از مردم آنقدر از اوضاع روابط بین المللی و منطقه ای مانند سوریه و افغانستان و عراق بیمناک بودند و آینده اقتصادی کشور را نگران کننده میدانند که امید دارند کسی بیاید و لااقل باعث شود که وضع از این که هست بدتر نشود. منفور بودن احمدی نژاد و خامنه ای بخش های مهمی از جامعه را به این فکر انداخت که کسی بیاید که مقداری بشود نفس کشید و از سختی ها واضطراب های کنونی قدری خارج شد. افکار عمومی بدون هزینه، خواهان تکانی بسوی یک آرامش کوچک، یک تغییر کوچک و یک چهره جدید آبرومندانه تر گشته بود. در تونس مردم انقلاب کردند و بالاخره دزد ها رفتند و در ذهن آنان مهم نبود چه کسی میاید. روح مردم ایران بدنبال سالهای زشت احمدی نژاد، در عذاب بود و مردم دیدند که جناح احمدی نژاد با شعارهای عوامفریب و نازل و غیر خردمند آسیب های فراوانی به جامعه وارد ساخت. آنها میدانند که رفسنجانی ها در این مدیریت و در این چپاول ها شرکت داشته، ولی چون امروز مورد بی اعتنائی استبداد ولی فقیه است، میتوان از او مدد گرفت. البته بخشی از جامعه و اپوزیسیون هم ترجیح میدهند که پرونده رفسنجانی بسته بماند و آگاهانه شرکت او در کشتارها و سوء مدیریت را بدست فراموشی بسپارند. رفسنجانی و دوستانش در ذهن مردم محبوبیت پیدا میکنند. محبوبیتی که از زشتی و خشونت بی حد دیگران رونق گرفته است. دلسردی مردم با استراتژی جدید خاتمی و رفسنجانی و اصلاح طلبان و جمع شدن همگی در پشت آقای روحانی عقب رانده میشود. در چنین بستری انتخاب روحانی میسر میگردد و الترناتیو او نقطه اتحاد بخش عمده جناح های هیات حاکمه میگردد. روحانی فصل مشترک خامنه ای و جناح های دیگر میشود و باین ترتیب خامنه ای نشان میدهد که با هزینه کم، "حماسه" آفریده میشود و به جهانیان و مردم میگوید همه زیر ولایت او دوباره جمع گشته اند و بدین ترتیب او میکوشد از فشار های بین المللی بکاهد. انتخاب روحانی هم، چاره ی پراکندگی و اختلاف درون حاکمه است. و هم هماهنگی با خواست بخش مهمی از جامعه است. حال ببینیم تمایلات افشار گوناگون چگونه پیروزی روحانی را هموار میکنند.

زمینه های اجتماعی انتخابات

افشار مرفه

افشار مرفه که بیشترین استفاده را از معاملات و تورم می برند و بظاهر بیشتر از همه به دولت ناسزا میگویند، اغلب در انتخابات شرکت نمیکنند. اینان در مجموع حامی حکومت هستند زیرا منافع خود و امتیازات اقتصادی خود را در سایه همین حکومت اسلامی بدست آورده و در امان می بینند. مدل رفتار حکومتی مورد علاقه آنان نیست، ولی آنان در پی تغییر نیستند زیرا هزینه تغییر را بسیار سنگین ارزیابی میکنند. بعلاوه ویلاها و کاخهای خصوصی و مسافرت به خارج به آنها اجازه میدهد تا دنیای فرهنگی و مورد سلیقه خود را تکمیل کنند. اکثر قشرهای مرفه و بازاری هادر پشت ولی مطلقه ایستاده اند زیرا وابستگی های اقتصادی، دینی، شبکه ای و سیاسی با ولایت وسیع و متعدد است. غرزدنهای آنان و سلیقه های متفاوت آنان همبستگی اشان با نظام دینی را برهم نمیزند. وارد کنندگان خودروها و قطعات یدکی، تاجران محصولات کشاورزی و وارداتی، صاحبان خودروهای بسیار لوکس و خانه های لوکس، صاحبان صنایع همکار سپاه پاسداران، مدیران شرکت های سدسازی، فوتبالیست های معروف ایرانی، صاحبان صنایع سیمانسازی و پتروشیمی، بانکداران خصوصی، صادر کنندگان پسته و صنایع غذایی، اینان از امنیت کامل برخوردارند و در سایه همین نظام به ثروت اندوزی پرداخته و بنابراین تغییر حاد مورد علاقه اشان نیست. تمایل انتخاباتی آنان بطور عمده در جناح اصولگرایان تبلور پیدا میکند.

افشار متوسط شهری

افشار متوسط شهری بطور معمول بیشترین فشار اقتصادی را تحمل می کنند، اینان در سالهای اخیر زیر فشارهای جهانی و محاصره اقتصادی ایران بخشی از قدرت خود را از دست داده اند و در ضمن بعد از همه این سال های سخت و ویژگی طبقاتی خود سیاسی هم شده اند. این افشار نسبت به سرنوشت سیاسی حساسیت داشته و بیشتر از سایر افشار در انتخابات شرکت می کنند. طبقه متوسط که دل خوشی از ولایت فقیه ندارد، از سال 76 در انتخابات ریاست جمهوری فعال بود. در انتخابات 88 شرکت فعال داشت ولی باخت و ضربه خورد و از نظر اقتصادی و اجتماعی تضعیف شد. در انتخابات یازدهم بخشی از رای این طبقه به سوی قالیباف جهت گرفت زیرا کارهایی

که قالیباف در تهران به عنوان شهردار کرده است برای طبقه متوسط و تکنوکراتها جالب میباشد. بخش دیگر این اقشار متمایل به آقای روحانی بود. ادبیات سیاسی روحانی و وعده های اوبرای جامعه ای بازتر، برداشتن عمامه در برخی از فیلم های تبلیغاتی اش، انتقاد به قالیباف در طرح سرکوب "گازانبری" دانشجویان، جلب حمایت آقایان خاتمی و رفسنجانی، استفاده از روبانهای بنفش که یادآور روبان سبز دوران آقای موسوی است و غیره بیانگر تلاش آقای روحانی برای جلب طبقه متوسط و شهروندان ناراضی و فرزندان آنها بود. در میان اقشار متوسط، آموزگار و روشنفکرو تکنوکرات و مدیران بخش خصوصی و نخبگان تکنیکی و تخصصی و علمی و دانشگاهی فراوانند. اینان جامعه باز میخواهند و دموکراسی خواه هستند. بسیاری از این قشر به به تحریم انتخابات متمایل بود و آن دسته که به تحریم روی نیاورد، خواهان پیروزی قالیباف و یا روحانی بود. جذابیت تکنوکراتی و اتوریته گرای قالیباف از یکسو و از سوی دیگر جذابیت لیبرال منشی روحانی، رای دهندگان طبقه متوسط را دوتکه کرد. هیچیک از این دو کاندیدا قادر نبود اعتماد این اقشار را بطور کامل جلب کند، زیرا وابستگی هردو کاندیدا به نظام و شخص خامنه ای اقشار متوسط را سست میکرد. در لحظات آخر تحریم کنندگان طبقه متوسط از خود شوقی برای رفتن به سوی صندوق رای نشان دادند و روحانی را انتخاب کردند.

اقشار تهیدست

اقشار بی چیز جامعه بطور شدید در شرایط نابسامان و دردناک بسر میبرند و اکثر آنان همیشه از آگاهی شهروندی بالا برخوردار نیستند. پاسخگوئی به نیازهای زندگی روزمره، همیشه بخش مهمی از اینان را بدنبال شعارهای تبلیغاتی و امتیازات دولتی میکشاند. لایه های کارگری گاه با مطالبات و حرکت سندیکائی از خود واکنش نشان میدهد و در برابر سرکوب و نظام جاسوسی موجود به اعتراض دست میزنند، نمایندگان سندیکائی با سرکوب دائم مواجه میباشند. ولی بسیاری از این اقشار تهیدست شهری و روستائی معترض به حکومت نبوده و بسیاری از آنان مورد استفاده حکومت قرار میگیرند. در دوره پیش جناح و دولت احمدی نژاد با یارانه ها بخشی زیادی از اینان را بسوی خود کشاند. دولت در مناسبات گوناگون و با انگیزه های متفاوت برای این اقشار زمینه بسیج را فراهم نموده و بطور مثال گروههایی از آنها را با اتوبوس جمعشان کرده تادر تظاهرات ویا نماز جمعه شرکت کنند و وعده زیارت اماکن متبرک میدهد تا دل آنها را بدست آورد و از اعتقادات خرافی مذهبی آنان در تحکیم خود بهره گیرد. در هنگام انتخابات نیروهای بسیج و مساجد نقش مهمی در جهت دهی آرا آنان و انتقال آنان به پای صندوق رای ایفا نموده اند. تراژدی این طبقه اجتماعی محروم در فقدان آگاهی لازم و وجود اعتقادات تسلیم طلبانه آنان است. در شرایط دیکتاتوری و بد آموزی رسانه ها و شبکه مساجد، طرفداری از "آقا" و تقدیرگرایی از ویژگی روحی این قشر طبقاتی است.

زنان

زنان بطور معمول رادیکال ترند، بنابراین شاید هواداران تحریم انتخابات بیشتر میان ایشان باشند. اکثر زنان شهری هیچ اعتمادی به حکومت ندارند و بعلاوه فروریزی اعتقادات مذهبی آنان و احکافات دینی و مردسالارانه زنان را عصبانی نموده است. کسانی که در دوره پیش بحول آقای موسوی فعال بودند ویا حمایت میکردند، این دوره هم به نامزدهای نزدیک به اصلاح طلبان رأی دادند. هر گونه تخفیف فشار مورد حمایت زنان قرار میگیرد. اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی چنین تصویب شده است: "همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند." با وجود این اصل واقعیت جمهوری اسلامی، فرهنگ سیاسی و اسلامی و مردسالارانه و پراوتیک و قوانین دستگاه حکومتی برپایه اجحاف و تبعیض نسبت به زن بوده و اینچنین عمل میکنند. چندهمسری، صیغه، موانع تراشی در پیشرفت اجتماعی زنان، مداخله پلیسی در شیوه زندگی زنان، تحقیر زن و غیره منجر به تنفر زنان نسبت به دستگاه موجود گشته است. بنابراین کاندیداهای مورد حمایت خامنه ای در جامعه زنان نمیتوانند برنده شوند و حمایت معنوی و سیاسی زنان را جلب کنند. آقای روحانی باین لحاظ توانست درصد بالائی از آرا زنان را بخود جلب کند. باتوجه به موقعیت رئیس جمهور در سیستم اسلامی و شخص روحانی که یک عضو دستگاه

روحانیت است، زنان به حقوق خود نخواهند رسید. ولی فشارها و دینامیک اجتماعی میتواند حکومت را به عقب نشینی وادار کند. زنان شهری از فشارهای آخوندی خسته اند، آنها آزادی پوشش و آرایش میخواهند، امتیازات اجتماعی و شغلی خود را خواستارند و میخواهند خود مختار باشند، حال آنکه نظام پلیسی دینی آنها را محدود میکند و سرکوب مینماید. بسیاری از زنان از آنجا که در مواضع روحانی "جنبه مدرن" میدیدند باو رای دادند.

جوانان

جوانان از نظر طبقاتی و فرهنگی و سیاسی یکسان نیستند. بخشی از آنان وابسته به حکومت و خانواده های نزدیک به نظام هستند و با شبکه های سرکوب و تفتیش عقاید حکومتی همکاری دارند و در هنگام رای گیری عوامل بسیج کننده برای ولایت هستند. این گروه نه بزرگ ولی پرهیاهوی وابستگان به حاکمیت با اشغال همه امکانات دولتی و همگانی و با کمک رادیو و تلویزیون و مطبوعات دولتی از نامزد مورد نظر رهبری یا گروه های قدرت حمایت پرسروصدا می کنند. دانشجویان بسیجی رای شان را به جلیلی دادند چون ویژگی های ایدئولوژیک احمدی نژاد و شعارها و سمبول های گفتاری او در سیاست تبلیغی جلیلی نیز تبلور داشتند. ولی در نظر داشته باشیم که بخش بسیار اساسی جوانان متعلق به اقشار میانی جامعه بوده و متمایل به باز شدن محیط و امنیت شغلی میباشد. اینان از همان دید طبقاتی به انتخابات نگاه میکنند با این تفاوت که در هر طبقه ای جوانان فعال تر و رادیکال ترند. بیکاری شدید، نبود مسکن، نبود امکانات شغلی لازم، نبود آزادی رفتار و امکانات تفریحی، محدودیت و فشار پلیسی مدام در قبال روابط اجتماعی و جنسی دختر و پسر، برنامه های مذهبی و غمگین رسانه ها، و نیز تاثیر پذیری آنان از مبادلات فرهنگی جهانی و غیره، تمایل انتخاباتی آنان را بسوی دوکاندید اصلاح طلب آقایان روحانی و عارف سمت و سو داد. از یاد نبریم که بخش قابل توجهی از این جوانان از دست نظام موجود دلزده بوده، یا غیر سیاسی خود را تعریف کرده، از سرکوب 88 ضربه خورده و در نتیجه تمایل به شرکت در انتخابات نداشتند.

وزنه جمعیت جوان 20 تا 36 سال در جمعیت 75 میلیونی ایران	
سال 1375	میلیون و 900 هزار نفر 13
سال 1385	میلیون و 800 هزار نفر 21
سال 1390	میلیون و 50 هزار نفر 24
منبع: آمار جمعیتی سازمان ثبت احوال، مهر 1391/5/22	

سهم شرکت کنندگان ۱۸ تا ۲۵ ساله در آرای بدست آمده در دوره پیش بالغ بر ۲۸.۹۳ درصد و سهم شرکت کنندگان ۲۵ تا 30 سال بمیزان 28.13 درصد میرسید. از آنجا که این قشر حساسیت خود را دارد دوباره خود را بسیج و بسوی حمایت از آقای روحانی اقدام نمود. جوانان خواست های خود را همسوتر با نگاه حسن روحانی دیدند. با توجه به مشکلات متعدد جوانان یکی از معضل های اجتماعی دولت آینده «چالش جوانان» است. جوانان به دنبال استانداردهای مدرن زندگی هستند. در ایران مانند بسیاری از کشورهای خاورمیانه، جوانان و به ویژه تحصیل کرده ها برای استخدام به دستگاه های دولتی روی می آورند. دختران جوان ایرانی نسبت به پیش بیشتر درس میخوانند، دیرتر ازدواج میکنند، به شغل های دولتی علاقه دارند، بعلاوه آنان فضای باز میخواهند، خواهان رفت و برگشت و ارتباط با جهان غرب هستند، از محدودیت ها بیزار و خواهان آزادی میباشند.

مذهبی ها و نظامیان

تحلیل طبقاتی همیشه تصویر دقیقی از واکنش انتخاباتی افراد ارائه نمیکند. پیوندهای اقتصادی و طبقاتی زیر فشار و عملکرد عوامل دیگر تکان خورده و گاه گسیخته میشوند و جای خود را به همبستگی گروهی و شبکه ای دیگری میدهند. در هر مرحله و شرایط خاص به مجموعه عوامل که در رفتار گروه های اجتماعی تاثیر گذار هستند را مورد تحلیل قرار باید داد و باید از روش دینامیک در بررسی پدیده ها استفاده کرد. در ایران عامل مذهب علیرغم تضعیف نفوذش هنوز بعنوان یک پدیده مهم در انتخاب سیاسی و هویتی عمل میکند. بسیاری از مذهبی های سنتی از حاکمیت سیاسی بریده اند، کسانی هستند که وابستگی مالی مستقیم با دستگاه حاکمه دارند و به نحوی حقوق بگیرند و حامی حکومت هستند و بخش دیگری وجود دارد که از سروظایف دینی به حمایت از جمهوری اسلامی می پردازند. این گروه بندی های اجتماعی مذهبی برپایه اعتقاد دینی و احترام به نمایندگان روحانی دین خود، از دستورات پیشوای مذهبی و فقیه خود تبعیت دارند و رای خود را بر این پایه تنظیم می نمایند. بعلاوه از آنجا که جمهوری اسلامی را مظهر اسلام میدانند برای بقای آن به تکلیف خود عمل کرده و برای افراد نزدیک به خامنه ای رای میدهند. گروه دوم و سوم دربرگیرنده بسیجیان، مداحان، مسجدی ها، هیئتی ها، نماز جمعه روها و بخش مهمی از پایین ترین اقشار حقوق بگیر میباشند. توده دنباله رو حکومت به لحاظ وابستگی روحی مذهبی و عدم تشخیص منافع خود تابع ولی فقیه آقای خامنه ای بوده و به اراده او وفادار است. نیروهای نظامی در خلوت خود در هنگام رای مجموعه ای رنگارنگ را تشکیل میدهد و یکپارچه نیستند. بخش ایدئولوژیک آن یعنی سپاه پاسداران بطور کامل سیاسی عمل کرده و رهبران آن پیوسته بطرز آشکار به موضعگیری سیاسی پرداخته اند. سپاه با موقعیت اقتصادی و نظامی و سیاسی خود در حال حاضر یک قشر قدرتمند را تشکیل میدهد ولی در عین حال خود را بطور عمده همسو با ولایت فقیه نشان میدهد. با این حال حتا در میان پاسداران و خانواده هایشان، گرچه طور دیگری تظاهر می کنند، ولی موقع انتخابات همه به کاندیداهای مورد نظر خامنه ای رای نمی دهند. همگامی بخش مهمی از سرداران سپاه (از جمله قاسم سلیمانی) با قالیباف، و نیز همراهی بخش مهمی از راست میانه و سنتی با ولایتی و قالیباف، می تواند انگیزه ی لازم برای همدلی آنها و نیز آیت الله خامنه ای با این دو کاندید باشد.

گروه های قومی

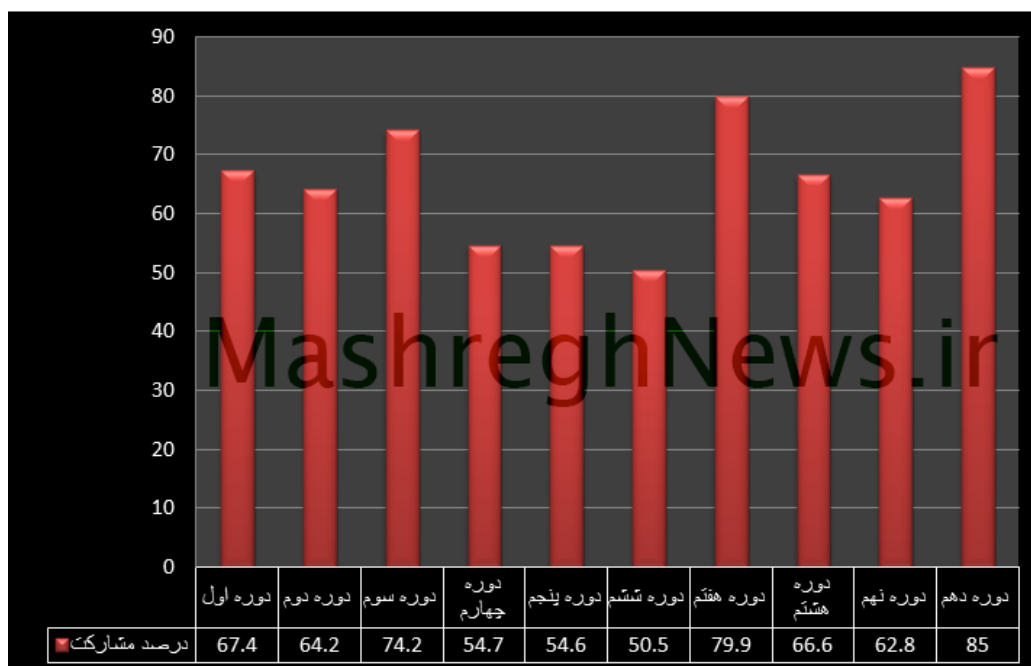
ما متأسفانه ارقام روشن و دقیقی درباره ترکیب قومی نداریم. برخی از آماربرآیند که از نظر ترکیب قومی در ایران، بیش از 51 درصد فارس، 24 درصد آذری، 8 درصد گیلکی و مازندرانی، بیش از 8 درصد کرد و لر، 3 درصد عرب و بقیه اقوام 6 درصد را تشکیل می دهند. ایران به لحاظ مذهبی، حدود 80 درصد جمعیت کشور شیعه هستند. مسلمانان اهل سنت را بیشتر کردها، بلوچ ها و ترکمن ها و عربها تشکیل می دهند. قومیت های ایرانی نقش مهمی در انتخابات ریاست جمهوری ایران دارند. سید محمد خاتمی تلاش فراوانی برای جلب حمایت رای دهندگان غیرفارس و غیرشیعه به عمل آورد. حامیان خاتمی به زبان های کردی و آذری برایش تبلیغ کردند. آقای روحانی نیز تلاش مهمی برای جلب اقوام غیرفارس و غیر شیعه بکار برد. راز این تلاش در اینست که این بخش از جامعه پیوسته تحت فشار بوده و گاه در برخی زمینه ها مورد اجحاف شدیدتر قرار گرفته است. بسته بودن مسئولیت های سیاسی و اداری بروی آنان، محرومیت از توسعه و بکارگیری زبان مادری، محروم بودن اقوام از آزادی دینی، عدم توسعه اقتصادی در برخی از مناطق قوم نشین و غیره از جمله انگیزه های اعتراضی این بخش از مردم ایران بوده و اینان بسیاری از موارد به قدرت مرکزی بی اعتماد میباشند. عدم پرداخت جدی به مسائل و مطالبات اقوام، زمینه ساز نظریات جدائی طلب و سوء استفاده محافل جاسوسی و خارجی است. جمهوری اسلامی در تناقض با آزادی شهروندی و شکوفائی فرهنگ های گوناگون سرزمین ماست و ایجاد کینه و عدم اعتماد ذاتی این شرایط است. با این حال بخشی از این اقوام درحالتی که فرصتی مثبت پیدا شود از آن استقبال میکنند. قانون اساسی جمهوری اسلامی اجازه نمیدهد حقوق و شکوفائی همه شهروندان و اقوام در سرزمین ما مورد احترام قرار گیرد، ولی در چارچوب فعلی اگر واکنش ها را بررسی کنیم مشاهده میکنیم که در این کارزار آقای روحانی تا حدودی از حمایت غیرفارس و غیر شیعه برخوردار شد.

شرکت کنندگان و تحریم کنندگان

یکی از مسائل برجسته در جامعه شناسی انتخابات تحلیل میزان مشارکت عمومی در انتخابات است. اندازه گیری استقبال مردم بیانگر آنست که آیا شهروندان اعتبار برای شرکت خود در انتخابات قائل هستند یا نه؟ در جامعه ایران کسانی که تحریم میکنند اغلب معترضین قاطع نظام بوده و خواستار تغییر اساسی و خروج از حکومت دینی میباشند. آنها میگویند تاریخ و واقعیت جمهوری اسلامی بلحاظ استبداد مذهبی قادر به پیشروی بسوی دموکراسی نیست و طرفداران اصلاحات توهم داشته و از شفافیت مبارزاتی جلوگیری میکنند. طیف مشارکت کننده بسیار گسترده و ناهمگون است. مشارکت بیانگر اعتقاد به تغییر سیاست توسط رای مردم است. در این زمینه کسانی هستند که به دگردیسی گام به گام نظام معتقد هستند. فروریزی مشروعیت قدرت سیاسی با کناره گیری شهروندان از صندوق رای معنا می یابد. نزول میزان مشارکت در کشورهای دموکراسی بیان نوعی بحران در دموکراسی بوده و می طلبد تا راه های نزدیکی بین شهروند و قدرت سیاسی به نقد و بررسی درآید. در کشورهای دیکتاتوری تقلب و دست بدست کردن آرا هرگونه پایه عینی و علمی را از بین برده و تحلیل گرا را از ارزیابی درست محروم میکند. جمهوری اسلامی نیز در رفتار غیردموکراتیک خود پیوسته ارقام را دستکاری می نماید و سانسور و تحریف یک حربه اساسی حکومتی است. برای جمهوری اسلامی که پیوسته در صدد بوده تا جنبه "مردمی و توده ای" خود را ثابت کند، رقم مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری را اغلب دستکاری شده است و بنابراین همیشه آمار دولتی را با تردید باید نگاه کرد.



منبع: خبر آنلاین 23 خرداد 1392



آمار دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران طبق "ویکیپدیا" به شرح زیر است

نام دوره	تاریخ برگزاری	تعداد ثبت نام کنندگان	تعداد تأیید صلاحیت شده	درصد مشارکت
دور اول	۱۳۵۸/۱۱/۵	۱۲۴	(همگی تأیید صلاحیت شدند) ۱۲۴	۶۷
دور دوم	۱۳۶۰/۵/۲	۷۱	۴	۶۴
دور سوم	۱۳۶۰/۷/۱۰	۴۶	۴	۷۴
دور چهارم	۱۳۶۴/۵/۲۵	۵۰	۳	۵۴
دور پنجم	۱۳۶۸/۵/۶	۷۹	۲	۵۴
دور ششم	۱۳۷۲/۳/۲۱	۱۲۸	۴	۵۰
دور هفتم	۱۳۷۶/۳/۲	۲۳۸	۴	۷۹
دور هشتم	۱۳۸۰/۳/۱۸	۸۱۷	۱۰	۶۷
(دور نهم) مرحله اول	۱۳۸۴/۳/۲۷	۱۰۱۴	۸	۶۲
(دور نهم) مرحله دوم	۱۳۸۴/۴/۳	—	—	۵۹
دور دهم	۱۳۸۸/۳/۲۲	۴۷۵	۴	۸۵

بر اساس خبر ستاد انتخابات کشور نتایج اعلام شده انتخابات ریاست جمهوری 1392 بدینگونه است: از 50 میلیون و 483 هزار و 192 نفر واجد شرایط رای دادن، 36 میلیون و 704 هزار و 156 نفر رای دادند. از این میزان، 35 میلیون و 458 هزار و 747 رای صحیح اخذ شد. بدین ترتیب میزان مشارکت مردم در این انتخابات، 7.72 درصد بوده است. بر اساس شمارش کل آراء، حسن روحانی حائز اکثریت آراء و در نتیجه به عنوان رئیس جمهور منتخب مردم معرفی شد. به بیان دیگر حسن روحانی: 18 میلیون و 613 هزار و 329 رای، محمدباقر قالیباف: شش میلیون و 77 هزار و 292 رای، نفر سوم سعید جلیلی: چهار میلیون و 168 هزار و 946 رای و بقیه رای میان دیگر کاندیداها تقسیم گردید. به نوشته روزنامه "بهار" براساس آمار سرشماری سال ۹۰، ۵۵ میلیون نفر بالای شانزده سال بودند که اینک واجد شرایط شرکت در انتخابات هستند. تردید دیگری که این روزنامه مطرح کرده، آمار واجدین شرایط خارج از کشور است. در سرشماری سال ۹۰ آماری از جمعیت ایرانیان مقیم خارج از کشور گزارش نشده اما برخی گزارش ها، از حدود سه تا پنج میلیون ایرانی مقیم خارج از کشور خبر می دهد.

میزان واجدان و رای دهندگان در دوا انتخابات ریاست جمهوری	
تعداد واجدان شرایط 46 میلیون و 199 هزار نفر در 1388	تعداد رای دهندگان: 39 میلیون و 165 نفر
تعداد واجدان شرایط 50 میلیون نفر در 1392	تعداد رای دهندگان: 36 میلیون و 704 هزار و 156 نفر رای

اگر به آمار دولتی سال 1392 اتکا کنیم و آنها را سالم فرض نمائیم نکته یکم اینکه بین 15 تا 20 میلیون در رای گیری شرکت نکردند، زیرا برخی ارقام تعداد واجد شرایط را تا 55 میلیون تخمین میزدند. در میان کسانی که رای ندادند بخش بسیار مهمی تحریم کننده بودند که با آگاهی پای صندوق نرفتند زیرا به نظام رای گیری و جمهوری اسلامی اعتقاد و اعتمادی ندارند و به رسمیت نمی شناسند. نکته دوم اینکه میزان مشارکت در دوره پیش 85 درصد بود ولی تقلب بزرگ دلسردی و بی اعتمادی گسترده ای را در میان مردم دامن زد و این بار برای حکومت خطر سقوط مشارکت جدی بود و بهمین خاطر "مهندسی" ولایت فقیه تا حدودی بازی را باز نگه داشت و علیرغم کنارزدن خاتمی و رفسنجانی راه را برای یک کاندید واسطه یعنی روحانی باز گذاشت. سوم اینکه تشدید تضادهای درون هیات حاکمه و تنگنای بین المللی، رژیم را وادار نموده که پیوسته بر طبل "مشروعیت" خود بکوبد، ولی کاندیدای نزدیک به خط ولایت فقیهی آقای جلیلی، راه حل سوخته ای بود و به همین خاطر شخصیت آقای روحانی برای ولایت فقیه گزینه مناسب تری بود تا سیاست بازاریابی "مشروعیت" بهتر عمل کند. چهارم اینکه استراژی مشروعیت طلبی حکومت نافی این امر نبود تا اکثریت مردم شرکت کننده از تغییر مسرور باشند زیرا معنای آنرا همسوی آرزوی خود می یافتند.



ویژگی ساختاری رای دهندگان

شرکت کنندگان در انتخابات براساس جنسیت و یا گروه های سنی نیز تقسیم میشوند. آنچه که مهم است دریافت رابطه سمبولیک میان زنان و مردان با هریک از کاندیداها میباشد. جهت گیری رای تنها برپایه برنامه و منافع اقتصادی نیست. این رابطه ها سیال اند. از جمله

عواملی که در ایران در جهت گیری رای نقش ایفا کرده اند استنباط افراد از گفتار کاندیداها درباره نفی خشونت، احترام به حقوق زن، آزادی رفتار اجتماعی و گرفتاری های اقتصادی میباشد. وعده های انتخاباتی با توجه به نظام بسته جمهوری اسلامی رعایت نخواهد شد ولی شهروندان بدان امید می بندند و برایشان مطبوع بنظر میرسد. البته در شرایط بحرانی برای حکومت، هیچ بعید نیست که نظام امتیازاتی به جامعه بدهد تا تداوم خود را آسانتر کند.

برپایه سنجش "ایپوس" جدول زیر میزان اقبال به نامزدها را بر اساس جنسیت (زن و مرد) و در کل و یک روز پیش از انتخابات 1392 نشان می دهد:

درصد رای			
کاندیدا	مرد	زن	جمع
سعید جلیلی	14.2	10.5	12.5
رضایی	14.8	12.5	13.8
روحانی	40.1	35.6	38.0
قالیباغ	21.6	28.5	24.7
غرضی	1.1	1.7	1.4
ولایتی	8.1	11.2	9.6
جمع	100	100	100

www.ipos.me

در جدول زیر میزان آرای نامزدها در میان دو گروه سنی (کمتر از 40 سال و بیشتر از 40 سال) مقایسه شده است.

درصد رای			
کاندیدا	کمتر از 40 سال	بیشتر از 40 سال	جمع
سعید جلیلی	13.4	10.9	12.6
رضایی	14.7	11.4	13.7
روحانی	38.4	37.3	38.1
قالیباغ	23.4	26.9	24.5
غرضی	2.0	0.0	1.4
ولایتی	8.0	13.4	9.7
جمع	100	100	100

www.ipos.me

در جدول زیر میزان آرای نامزدها در میان پاسخ دهندگان مقیم در مناطق شهری و غیر شهری مقایسه شده است

درصد رای			
کاندیدا	مناطق شهری	مناطق غیرشهری	جمع
سعید جلیلی	11.7	20.6	12.7
رضایی	12.3	25.0	13.6
روحانی	38.9	29.4	37.9
قالیباف	25.6	17.6	24.7
غرضی	1.4	1.5	1.4
ولایتی	10.2	5.9	9.7
جمع	100	100	100

www.ipos.me

در جدولهای بالا چند نکته مهم عبارتند از: یکم، در این سنجش حسن روحانی بالاترین میزان رای را جلب می نماید و استقبال اجتماعی او بالاست. دوم، کاندیداهای سنتی اصولگرایان مانند جلیلی که نزدیکترین کاندیدا به خط خامنه ای است مورد استقبال رای دهندگان نیستند و این یک شکست برای خامنه ای میباشد. سوم، درصد رای دهنده زن برای قالیباف و ولایتی بیشتر از رای دهندگان مرد این دو کاندیدا هستند. چهارم، رای دهندگان به جلیلی، رضایی و روحانی افراد کمتر از 40 سال نسبت بیشتری از افراد بالای 40 سال دارند. پنجم، در میان رای دهندگان به آقای روحانی، قالیباف و ولایتی، نسبت شهری ها به غیرشهری ها بیشتر از بقیه نامزدها است.

شعار روح زمانه

در تحلیل جامعه شناسانه انتخابات یکی از جنبه های گرهی تشخیص معضل اساسی جامعه و تبلور آن در شعارهاست. انتخاب خاتمی در سال 1376 فضای شوق و خیالپردازی را به اوج رساند، کشتارها و قتل های سیاسی متعدد دوران خامنه ای و رفسنجانی مردم را شیفته اصلاحات نمود و موضوع تغییر و استحاله استبداد اسلامی به "جامعه آرام اسلامی" و حقوق جامعه مدنی اوج گرفت. "اصلاحات" شعار جادویی و عطر آگین شد. دور نخست انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری در 1384، همه شگفت زده شدند زیرا هاشمی رفسنجانی و محمود احمدی نژاد با بیشترین آرا به مرحله دوم راه یافتند. در این دوره تحلیل گران سیاسی، ورود احمدی نژاد به مرحله دوم را پیروزی جناح اصولگرایان بر اصلاح طلبان و کارگزاران و اعتراض به نابرابری و شکاف طبقاتی در جامعه ایران دانستند. در دور دوم انتخابات تعداد 28 میلیون ایرانی در انتخابات شرکت کرده و احمدی نژاد با میزان 62 درصد از کل آرا در مقابل شخصیت قدیمی هاشمی رفسنجانی با 38 درصد، پیروز شد. ارزیابی برخی کارشناسان این بود که جامعه خواهان تخفیف و پاپایان دادن به تضاد طبقاتی و توزیع عادلانه تر ثروت هستند. اکثریت مردم، حامیان و خانواده هاشمی رفسنجانی را نوعی نماد ثروت بزرگ و شدت اختلاف طبقاتی در جامعه تلقی می کردند و

احمدی نژاد و حامیانش با شعار «عدالت محوری و توده محروم» به خوبی رمز پیروزی را دریافتند و توانستند آرای اکثریت مردم و به ویژه لایه های پایینی را کسب کنند. علیرغم پخش پول بشکل یارانه ها سیاست دولت احمدی نژاد به افزایش تورم و فقر بیشتر و مشکلات فراوان در سطح جهانی شد و عدالت طلبی او تنها در سطح تبلیغات باقی ماند. شبکه رفسنجانی ها بکار خود ادامه دادند و شبکه سرداران سپاه و احتکارگران بزرگ جدید اقتصاد ایران را به وضع بسیار نابسامان کشاندند و طرح عدالت طلبی که قول نفت در پای سفره زحمتکششان را داده بود به مضحکه تبدیل شد.

در دوره انتخابات سال 1392 رمز پیروزی نامزدهای یازدهمین دوره ریاست جمهوری ایران با دوره های قبل متفاوت بود. مردم میخواستند به نامزدی رای دهند که با برنامه «ایجاد انگیزه و امید» به منظور جلب اعتماد اکثریتی وارد انتخابات شود. طی دو دوره دولت احمدی نژاد، نگرانی های ناشی از بیکاری و فساد در جامعه و نیز فشارهای بین المللی و خطر حمله به مراکز اتمی ایران ترس را در جامعه افزایش داد. سیاست دولت احمدی نژاد و استبداد ولایت مطلقه خامنه ای مردم را افسرده تر و ناامید تر نمود. دیگر با آمار و ارقام تقلبی و شعاری و وعده و وعید و برنامه های بدون پشتوانه نمی شد اعتماد مردم را جلب کرد. «اعتماد سازی» شرط اساسی پیروزی در انتخابات یازدهمین دوره بشمار میامد. در واقع بعد از تقلب و سرکوب سال 1388 بی اعتمادی مردم اوج گرفت و مردم در پی آرامش و بازسازی و کند کردن سقوط زندگی خود بودند. تخریب بیشتر اخلاق جامعه، تخریب کارهای تولیدی، تخریب موسسات کشوری، تخریب مناسبات با جهان و همسایگان، تخریب بیشتر چهره ایران در جهان، تخریب نهاد ها و سازمانها و انجمن های حرفه ای و صنفی، تخریب محیط زیست و ایجاد آلودگی زیست محیطی و غیره ذهنیت جامعه را بدرد آورده و روح زمانه جامعه ایران خواستار بازگشت به سازندگی و دوری از بحران و خصومت و جنگ در اجتماع بود. بوی جنگ ناشی از سیاست اتمی و غنی سازی اتمی و مخاصمت در منطقه آزارش میداد. جامعه سرشار از ستیز ناشی از مذهب شیعه و دروغهای امام زمانی روان اش بطور پنهانی و ناخودآگاهانه اذیت میکرد. درپیرامون ایران، افغانستان و عراق و سوریه در جنگ بودند و حکومت ایران با ثروتهای مردم آتش افروزی میکرد و میکند و همه باعث رنج بیشتر مردم است. در فرانسه، دوران نیکولا سارکوزی با تشویش و برخورد تند گروههای اجتماعی همراه بود و مردم میخواستند نفس بکشند و آرامش داشته باشند، فرانسوا اولاند گفت من برای تشدید زد و خورد و بحران نیستم. روح زمانه جامعه ایران جستجوی آرامش و فرار از دروغ و دستیابی به ارزشهای مثبت بود. در انتخابات ریاست جمهوری ایران، نیازمندی به آرامش و دوری از التهاب آفرینی نفس میکشد. جامعه حرص دارد و با سیستم مصرفی منابع محیط زیستی را بسرعت نابود میکند ولی در عین حال مردم خسته هستند و میخواهند زندگی روزمره آرامی داشته باشند. حکومت هم با توجه به تناقضات خود و فشار جهانی در پی آرام کردن هیات حاکمه و در پی آرامش اجتماعی است. 34 سال خفقان ولایت فقیهی نتوانست جامعه را بسکوت و سکون بکشاند و اعتراضات و مبارزات و نارضایتی ها همیشه ادامه پیدا کرد و در ذهن مردم دولت احمدی نژاد سمبول بارز منجلا بود. در چنین وضعی سیاست کاندیدائی که تمایل جامعه را حس میکند موفقیت دارد. مردم چهره برنامه محور و آرامش بخش را می طلبند که به دنبال حل مشکلات و دغدغه های معیشتی و فضای سیاسی و فرهنگی باز تر است. جامعه در پی جنگ و دعوا و شگردهای نمایشی احمدی نژاد نیست. بیکاری جوانان، فقر خانواده ها، گرانی زندگی مردم را به ستوه آورده است. آنان در پی بازسازی و رونق حداقل زندگی خود هستند و بعلاوه نگرانی ناشی از مجازاتهای جهانی و حمله احتمالی آمریکا و اسرائیل روی مراکز اتمی ایران آنها را عذاب میدهد. در این شرایط کنونی شعار مرکزی مورد انتظار مردم کدامست؟ جامعه چه می طلبد و چگونه میخواهد به تمایل برجسته خود جواب بدهد؟ این وضع شرایط برآمد آقای روحانی را فراهم نمود.

جامعه رای دهندگان میخواهد باور کند که تغییر میسر است، باورها، آرزوها، یاس ها، توهم ها، امیدها، مردم را پای صندوق ها کشاند. حرکت اینان بیان تحرک جامعه بوده و نشان میدهد که جامعه اخته نیست. در سال 1388 رای دادند و با تقلب ولایتی فقیهی به خیانتها ریختند و این بار در رای شرکت کردند و با دقت بیشتری مواظب تقلب های دولتی بودند و با اعلام نتیجه به خیانتها سرازیر شدند و شادی کردند و به حسن روحانی یادآوری کردند که زندانی سیاسی باید آزاد گردد. بسیاری از رای دهندگان میدانند آقای روحانی از سال ۱۳۵۹ بمدت ۲۰ ساله نماینده مجلس اسلامی بوده، یعنی به مدت ۲۰ سال تمام قوانین تبعیض و سرکوب را قانون مملکت کرد، همزمان با سالهای اول نمایندگی اش، طی سه سال یکی از سه عضو شورای سرپرستی رادیو و تلویزیون ایران، یعنی مامور تثبیت سانسور و برقراری پروپاگاندای اسلامی بود، در دوران جنگ با عراق، ریاست ستاد قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء، فرماندهی پدافند هوایی کل کشور و معاونت جانشین فرماندهی کل قوا را برعهده داشت، بعبارت دیگر جانشین آیت الله خمینی بود. او یکی از طراحان تروریسم دوران رفسنجانی از

جمله ترور میکونوس بود. در دوران ریاست جمهوری رفسنجانی، حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی و مشاور هاشمی رفسنجانی در امور امنیت ملی بود. از سال ۱۳۷۰ در مجمع تشخیص مصلحت نظام از نزدیکترین همکاران رفسنجانی است و از ۲۱ سال پیش ریاست مرکز تحقیقات استراتژیک این مجمع را برعهده دارد. او از سال ۱۳۷۸ تا کنون یکی از اعضای مجلس خبرگان بوده و از ۱۲ سال پیش ریاست کمیسیون سیاسی-اجتماعی و از سال ۸۵ ریاست دبیرخانه این مجلس را برعهده داشته است. در دوران خاتمی نیز دبیری شورای عالی امنیت ملی و مشاوره‌ی رئیس جمهور، یعنی در طرح سرکوب خیزش ۱۸ تیر دست داشته است. او مدت دو سال (مهر ۸۲ تا مرداد ۸۴) سرپرست تیم مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی با غرب بر سر مسئله بمب هسته‌ای بود.

در این انتخابات مردم رای دهنده به حسن روحانی اعتماد میکنند، ولی این اعتماد کور نیست. رای دهندگان قدری فراموشکارند و کمابیش میدانند که این رئیس جمهور عضوی از کارگزاران حکومت اسلامی است و وفادار به استبداد مذهبی ولایت فقیه‌ی است. در ضمن رای دهندگان در پی امتیاز گرفتن هستند و فکر میکنند که در شرایط مشخص کنونی ایران راه چاره کم هزینه همین انتخاب است. البته برای نظام ولایت فقیه‌ی در دوران جدید مقابله با تضادهای بین المللی و داخلی نیز با صرفه‌ترین راه همین انتخاب است. بنابراین مردم و حکومت بدون آنکه همدیگر را دوست داشته باشند و بدون آنکه منافع یگانه‌ای داشته باشند، بحول دولت حسن روحانی همسو میگردند. روشن است که این شرایط بسیار شکننده است زیرا جامعه پیچیده است و بازیگران اجتماعی بسرعت بازی خود را تغییر میدهند. توهم‌ها زیر نقد عقل گرا فرومیریزند. همیشه حساب‌ها و طرحهای از قبل آماده شده تعیین‌کننده نیستند، بلکه پویایی پیچیده، سیالیت اجتماعی، آگاهی اراده گرایانه، تناسب قوای متغیر، خواستها و رازهای گفته نشده، نقش اصلی را بازی میکنند.

جلال ایجادی

جامعه شناس و استاد دانشگاه

ژوئن ۲۰۱۳ پاریس ۱۷

idjadi@free.fr